

خبر

فیلم‌های مستند راه‌یافته به جشنواره فیلم فجر

● **گروه هنر:** اسامی فیلم‌های مستند سی‌وهشتمین جشنواره فیلم فجر اعلام شد. هیئت انتخاب بخش مستند متشکل از «بابک بهداده»، «رامین جدیری‌فاروقی» و «مرتضی شعبانی» پس از بازبینی فیلم‌های مستند بلند متقاضی حضور در بخش مستند، ۱۰ فیلم زیر را به ترتیب حروف الفبا برای حضور در جشنواره فیلم فجر برگزیدند: بانو؛ پروژه ازدواج؛ جایی برای فرشته‌ها نیست؛ خسوف؛ خط باریک قرمز؛ زمستان است؛ زندگی میان پرچم‌های جنگی؛ عالیجناب؛ کامی؛ مهدی عراقی را بکش.

بیانیه انجمن فیلم کوتاه ایران در اعتراض به وضعیت فیلم‌ها

● **گروه هنر:** انجمن فیلم کوتاه ایران (ایسفا) با ارسال بیانیه‌ای از وضعیت فیلم کوتاه ایران ابراز نگرانی کرد. در این بیانیه آمده است: «به‌عنوان نهاد صنفی که حمایت از فیلم کوتاه را وظیفه خود می‌داند، اعلام می‌کند توقیف و سانسور فیلم‌های کوتاه و جلوگیری از نمایش آنها در سینماهای هنر و تجربه و جشنواره‌های فیلم از سوی اداره ارزشیابی و نظارت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مغایر با اصل آزادی بیان و به‌طور مشخص اصل ۲۳ قانون اساسی است. در ماده ۲۷ منشور حقوق شهروندی نیز آمده است: «شهروندان حق دارند اندیشه، خلاقیت و احساس خود را از طرق مختلف آفرینشی فکری، ادبی و هنری با رعایت قوانین و حقوق دیگران بیان کنند». بی‌گمان راه توسعه هر جامعه‌ای را به نوع ساختار اجتماعی و حکومتی، آزادی بیان است. فیلم کوتاه همواره به‌واسطه قالب غیرتجاری خود توانسته است آسیب‌ها را با جسارت واکاوی کرده و زنگ‌های خطر را خیلی جلوتر به صدا درآورد. همین ویژگی‌های آزادمنشانه فیلم کوتاه، این قالب هنری را از اسارت چارچوب‌های سینمای تجاری و قواعد دست‌وپاگیر آزاد کرده است و باعث گردیده فیلم کوتاه ایران در عرصه‌های گوناگون داخلی و بین‌المللی درخششی کم‌نظیر داشته باشد. فیلم کوتاه، اگران وسیع ندارد و این قالب سینمایی در جامعه ما همواره مهجور بوده است. متأسفانه سازمان صداوسیما نیز نمایش فیلم کوتاه را از دستور کار خود خارج کرده است و اهمیتی به این‌ بیان هنری موجز و اثرگذار نمی‌دهد. همچنین هر ساله شاهدیم که تعدادی فیلم کوتاه از حضور در جشنواره‌های متعدد داخلی مانند جشنواره فیلم کوتاه تهران یا ارکان در سینماهای هنر و تجربه، منع سانسور و توقیف می‌شوند و متأسفانه این میزبای‌های کم‌سابقه روز به روز بیشتر شده تا آنجا که برای نمایش‌های کوچک نیز سخت‌گیری‌ها شدت یافته است. تبغ سانسور روی جسم جوان فیلم کوتاه، آوازی، خلافت و جسارت را که لازمه کار هنری و فیلم‌سازی، به‌ویژه فیلم کوتاه است، از میان برده و این قالب سینمایی را به گرداب محافظه‌کاری می‌کشانند. محافظه‌کاری و دخالت نهادهای مختلف در امور فرهنگی همواره مانع پیشرفت فرهنگ شده است، سانسور، جسم و روان در حال رشد فیلم‌کوتاه را جراحی و زخمی می‌کند و این زخم‌ها هرگز التیام پیدا نمی‌کنند. ما خواستار آن هستیم که هرچه زودتر چاقوی سانسور از روی کالبد فیلم‌کوتاه برداشته شده تا زمینه‌های شکوفایی و رشد هرچه بیشتر این بیان هنری فراهم شود».

فراخوان جشن تصویر سال

● **گروه هنر:** هفدهمین دوره نمایشگاه تصویر سال و جشنواره فیلم تصویر از دوم تا بیست‌وسوم اسفندماه ۱۳۹۸ مانند دوره‌های گذشته در رشته‌های عکاسی، گرافیک، کاریکاتور و فیلم با همراهی خانه هنرمندان ایران و در اختیارداشتن همه‌فناهای نمایشگاهی و نمایش فیلم خانه هنرمندان برگزار می‌شود. بخش ویژه هفدهمین دوره نمایشگاه تصویر سال با عنوان «چهل سال، تهران» که با حمایت و همراهی سازمان زیباسازی شهرداری تهران برگزار می‌شود، دربرگیرنده آثار تجسمی هنرمندان سراسر کشور از شهر تهران در ۴۰ سال گذشته (۱۳۵۷-۱۳۹۸) به همراه فیلم‌های مستندی که درباره شهر تهران یا با محوریت مکانی شهر تهران ساخته شده‌اند، خواهد بود. همه آثار ارسالی باید در قالب DVD و به صورت دیتا (Data) و با هر یک از فرمت‌های MOV (H.264) / MP4 (H.264) / MPEG2: همراه با کد رهگیری دریافت‌شده از طریق ثبت‌نام در سایت تصویر، به دبیرخانه جشنواره ارائه شوند. فیلم‌هایی که به صورت VOB ارسال شده باشند، پذیرفته نخواهند شد. مهلت پایانی ارسال آثار تا ۳۰ دی ۱۳۹۸ در نظر گرفته شده است.

برگزاری مسابقه عکس «سیلاب»

● **گروه هنر:** سومین دوره مسابقه عکس با موضوع بازسازی مناطق سانحه‌دیده ناشی از «سیلاب ۹۷ و ۹۸» برگزار می‌شود. پژوهشکده سوانح طبیعی و بنیاد مسکن انقلاب اسلامی با هدف مستندسازی خسارت‌های وارده و بازسازی سکونتگاه‌های آسیب‌دیده در «سیلاب» سال‌های ۹۷ و ۹۸ که روستاها و شهرهای شمال‌غرب تا جنوب‌غرب و مرکز کشور را دربر گرفت، از هنرمندان عرصه عکاسی که با نگاهی عمیق و جامع در هر بحرانی حضور داشته‌اند، دعوت می‌کند در مسابقه «سیلاب ۹۷ و ۹۸» شرکت کنند. این مسابقه در دو بخش اصلی (تک‌عکس) و ویژه (عکس مقایسه‌ای و مجموعه عکس) برگزار می‌شود.



فرانک آرتا

همواره سرنوشت «فیلم مستند» با مسائل جامعه گره خورده است. به‌طوری‌که هر جامعه‌ای ملتهب‌تر باشد، مسئولیت پذیری مستندساز در انعکاس وقایع آن جامعه بیشتر خواهد بود. در این مسیر سینمای ایران هم از این تعریف مبرا نیست.خوشبختانه طسی این سال‌ها فیلم‌های درخوری در شاخه مستند سینمای ایران ساخته شده که مشکلات متنوع قشرهای مختلف مردم و موضوعات متفاوتی در آنها منعکس شده‌اند. ضمن این که موفقیت‌های بسیاری در بخش‌های نمایش، ارکان و جشنواره‌های خارجی کسب کرده‌اند که بیانگر کنجکاوی و عطش مردم در رسیدن به پاسخ سوالاتشان است. اما یکی از رویکردهای خاص این روزها در فیلم‌های مستند به چالش کشیدن فضای سیاسی و سرک کشیدن به دنیای سیاست است. بدیهی است با تحولات ایجادشده در جامعه و تغییر نسل‌ها، جوانان امروز و فعالان و کنشگران و سیاستمداران یا به سن گذاشته سوالات زیادی دارند که نیاز به پاسخگویی دارد. اخیرا امیر تاجیک، مدیر پیشین شبکه مستند تلویزیون، بعد از تجربه ساخت دو فیلم موبایلی درباره یکی از مهم‌ترین افسرد نزدیک به خاندان پهلوی فیلمی مستند ساخته است. او کسی نیست جز اردشیر زاهدی که اظهارات او در دنیای سیاست و در حمایت از برخی از سیاست‌های جمهوری اسلامی کنجکاوی‌برانگیز شده است. به بهانه ساخت این فیلم، با امیر تاجیک کوتاه گفت‌وگو کردیم که به این شرح است:

● **سبزدهمین دوره جشنواره سینماحقیقت به پایان رسید.** مایلم بدانم به عنوان کسی که زمانی مدیر شبکه مستند تلویزیون بودید، تحلیل تان از فیلم‌های مستند این دوره چیست؟
جشنواره این دوره نسبت به دوره‌های گذشته، تفاوت‌های متعددی داشت. از نحوه برگزاری تا برنامه‌های جانبی و مهم‌تر از همه، حضور فیلم‌سازان جوان و مستعد که فیلم‌هایی بسیار باکیفیت و خلاقانه تولید کرده‌اند. توجه به مسائل اجتماعی در میان فیلم‌های این دوره رشد چشم‌گیری داشته که می‌تواند برگرفته از دغدغه‌های اجتماعی باشد که همچون دیگر گروه‌های جامعه، هنرمندان و اهالی سینمای مستند را نیز درگیر کرده است.

● **واقعیت این است که خاستگاه اصلی فیلم مستند در همه دنیا، تلویزیون است.** به نظر شما وجود جایی مثل مرکز گسترش سینمای مستند چقدر به مستندسازی کمک می‌کند؟

همان‌طور که اشاره کردید، جایگاه سینمای مستند در کشورهای توسعه‌یافته، تلویزیون است.

اما در همین کشورها و در حوزه تولید، دستگاه‌های مختلف دولتی، خصوصی و سازمان‌های غیردولتی نقشی مؤثر دارند. اگرچه وجود نهادهای حمایتی مانند مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی در کشور ما لازم است. اما نباید کار به این‌ مرکز یا یکی، دو شبکه تلویزیونی محدود شود. سازمان‌ها، مراکز مختلف دولتی و خصوصی بهتر است از پتانسیل‌های حوزه سینمای مستند و هنرمندان این حوزه بیشتر استفاده و حمایت کنند.

● **کشیده‌ام به‌تازگی بعد از ساخت فیلم‌های موبایلی، مشغول ساخت مستندی دیگر هستید.**

سوژه در دست تولید درباره چیست؟

هفدم از تولید فیلم‌های «مستند موبایلی» تسهیل شرایط تولید برای فیلم‌سازان دغدغه‌مند و نقشی مؤثر دارند. اگرچه وجود نهادهای حمایتی مانند مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی در کشور ما لازم است. اما نباید کار به این‌ مرکز یا یکی، دو شبکه تلویزیونی محدود شود. سازمان‌ها، مراکز مختلف دولتی و خصوصی بهتر است از پتانسیل‌های حوزه سینمای مستند و هنرمندان این حوزه بیشتر استفاده و حمایت کنند.

● **چه جالب! حالا چرا اردشیر زاهدی؟**

شخصیت فیلمم، فرزند فضل‌الله زاهدی (نخست‌وزیر منصوب شاه پس از سقوط دولت دکتر مصدق) و داماد محمدرضا پهلوی است. او در دوران نخست‌وزیری هویدا، سکان‌دار وزارت امور خارجه بود و هنوز هم در مسائل بین‌المللی با یادداشت‌ها و مقالاتش درباره مسائل ایران اظهارنظر می‌کنند. پس از مدت‌ها تحقیق درباره آقای زاهدی، تصمیم گرفتم فیلمی از او با هدف روایت شفاف‌تر از دوران حکومت پهلوی دوم و جزئیات نگفته‌اش تولید کنم.

بنابراین در دو نوبت و به فاصله پنج ماه کار تصویربرداری فیلم را در شهر مونتروی سوئیس،

هنر

گفت‌وگو با «امیر تاجیک»، سازنده فیلم مستند «آخرین دیپلمات»

روایت اردشیر زاهدی از عملکرد پهلوی دوم



محل سکونت آقای زاهدی، انجام دادم. فیلم ۷۰ دقیقه است و تیزر آن به‌زودی رونمایی می‌شود.

● **ساخت فیلم‌هایی از این دست بیش از هر چیزی، به اسناد، مدارک بدیع و حتی غیرقابل دسترس نیاز دارد.** شما چقدر در دستیابی به چنین اسنادی موفق بودید؟

بنده با علاقه‌ای که به موضوع فیلم داشتم، وقت و انرژی زیادی صرف کار کرده‌ام. سعی داشتم پتانسیل‌های حوزه سینمای مستند و هنرمندان این حوزه بیشتر استفاده و حمایت کنند.

● **کشیده‌ام به‌تازگی بعد از ساخت فیلم‌های موبایلی، مشغول ساخت مستندی دیگر هستید.**

سوژه در دست تولید درباره چیست؟

هفدم از تولید فیلم‌های «مستند موبایلی» تسهیل شرایط تولید برای فیلم‌سازان دغدغه‌مند و نقشی مؤثر دارند. اگرچه وجود نهادهای حمایتی مانند مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی در کشور ما لازم است. اما نباید کار به این‌ مرکز یا یکی، دو شبکه تلویزیونی محدود شود. سازمان‌ها، مراکز مختلف دولتی و خصوصی بهتر است از پتانسیل‌های حوزه سینمای مستند و هنرمندان این حوزه بیشتر استفاده و حمایت کنند.

● **چه جالب! حالا چرا اردشیر زاهدی؟**

شخصیت فیلمم، فرزند فضل‌الله زاهدی (نخست‌وزیر منصوب شاه پس از سقوط دولت دکتر مصدق) و داماد محمدرضا پهلوی است. او در دوران نخست‌وزیری هویدا، سکان‌دار وزارت امور خارجه بود و هنوز هم در مسائل بین‌المللی با یادداشت‌ها و مقالاتش درباره مسائل ایران اظهارنظر می‌کنند. پس از مدت‌ها تحقیق درباره آقای زاهدی، تصمیم گرفتم فیلمی از او با هدف روایت شفاف‌تر از دوران حکومت پهلوی دوم و جزئیات نگفته‌اش تولید کنم.

بنابراین در دو نوبت و به فاصله پنج ماه کار تصویربرداری فیلم را در شهر مونتروی سوئیس،



کشورهایی همچون آمریکا نشان دهد، با هزینه خود مقاله نوشته و در روزنامه‌های کثیرالانتشار بین‌المللی چاپ کرده‌اند. زاهدی گرچه یکی از مشاوران عالی و امین شاه مخلوع بود، اما آشکارا از اشتباهات و رفتارهای محمدرضا پهلوی انتقاد می‌کند. با استناد به اسناد، برخی روایات تاریخی را برای اولین بار در فیلم بازگو می‌کند. به نظر داستان زندگی فردی این‌چنینی، ارزش دیدن دارد.

● **مشکلات ساخت این مستند چه بود؟**

تولید هر مستندی در داخل و خارج از کشور، مرحله‌ای دارد که سخت و زمان‌بر است. شاید سخت‌ترین بخش کار، اقناع آقای زاهدی بود. ایشان طبق روال با افراد مختلفی که درخواست مصاحبه‌های خبری داشته باشند، همکاری می‌کند. اما بنده برای اینکه بتوانم اعتمادشان را جلب و اجازه ورود به اندرونی‌شان را پیدا کنم، زمان قابل توجهی صرف کردم. در نهایت تهیه آرشپو زمان زیادی را به خود اختصاص داد. امیدوارم حاصل زحمات بنده و همکارانم در این‌ پروژه مورد توجه مخاطبان قرار گرفته و زوایای جدیدی از تاریخ کشورمان را آشکار کند.

● **برای نمایش فیلم چه برنامه‌ای دارید؟**

مثل هر مستندساز دیگری، بنده هم مایل به دیده‌شدن فیلم از مدیوم‌های مختلف هستم. امیدوارم رسانه ملی در دیده‌شدن بهتر این فیلم کمک کند. در کنار این، با توجه به پژوهش کامل و منحصربه‌فردی که همکارانم برای تولید فیلم داشتند، مایلم فیلم به عنوان سندی تاریخی - پژوهشی امکان اکران در دانشگاه‌ها و مراکز مطالعاتی را پیدا کند و در نهایت از فضای مجازی برای بهتر دیده‌شدن فیلم کمک خواهم گرفت.

تیبیکال فیلم‌های رده ب! فیلم ظاهرا یک اصل را از یاد بُرده است و این ربطی به فرموله‌کردن فیلم‌سازی و سینما ندارد و به اساس «ایجاد ارتباط». یعنی اساس حرف‌زدن برمی‌گردد؛ یک نفر لطیفه‌ای را با آب و تاب تا انتهای خنده‌دارش تعریف می‌کند ولی مشکل اینجاست که این لطیفه را از نیمه آغاز کرده و مخاطب دقیقا نمی‌داند گوینده دارد درباره چه چیزی صحبت می‌کند و چرا باید بخندد! مگر آنکه پیش‌تر شنیده و این‌بار به حرمت «جوکر»، می‌خندد! روزی روزگاری... دقیقا چنین است؛ باید برای درک آن، نه تنها سر از کار چرایی ناکامی «ریک الداتون» (شناخت سازوکار وسترن و سینمای رده ب در دهه ۶۰) دریاوریم که باید با قضیه «منسن» و سایر بستگانش آشنا باشیم و «چارلی» را «چارلز منسن» و آن دیوانه‌های سر از کشتار را اهره‌پوی... درآورده را «خانواده منسن» در نظر بگیریم که گویا اثر قصد پرداخت آن ندارد؛ یعنی لطفاً به روزی روزگاری... یک سرسریه ویکه‌پدیا الصاق کنید! بعد هم می‌گویند نباید با اصول نقد کهن(!) آثار تازه را نقد کرد! دو ساعت و ۴۰ دقیقه پرت و پیلا، گزافه‌گویی به‌جای یک دقیقه پرداخت؛ پیش‌تر اگر قرار به جعل مرگ هیتلر بود، پای قصه‌ای وسط بود و هیتلری که قطعا آدم پلیدی است و دو ایزود از کشتار بی‌رحمانه‌ای که معلول هجاست این «پیشوا» است و بعد تنها یک صحنه «ناین، ناین، ناین» گفتن خشن و درعین‌حال تمسخرآمیز شخص «پیشوا» و تمام؛ اما اینجا واقعا همه‌چیز شبیه به شوخی است! مثلا صحنه‌ای که «کلیف بوث» به مزرعه‌ای می‌رود که غریبه‌ای آشنا (جورج اسپاین) صاحب آن است و زمانی بسیار صرف می‌شود صرفاً برای دیدار با «جورج» (با بازی بروس درن) و سرگیجگی محض...! این را مقایسه کنید با پالپ فیکشن که صحنه ماشین‌شستن صرفاً باحالی دارد با کارکرد تلفیق لحن هجوگونه پست‌مدرنیستی؛ اما اینجا به نظر می‌رسد تمام اثر هجو خودش است و تعلقات خاطر فیلم‌سازش... به نظر می‌رسد این اعتراف‌نامه «تارانتینو» است؛ من فیلم‌ساز فیلم‌های بدی هستم و اکنون با آزادی کامل، بدی‌ها را بی‌پرده و بدون رعایت بدیهی‌ترین اصول فیلم‌سازی، ستایش می‌کنم.

در جهان مجازی یک عکس دیدم؛ کولازی که محصولات جذاب مک دانالد را متصل کرده بود به نمای معروفی از کیل بیل و شخصیت کاریزماتیک «ال درایور» که سینی به دست گویا تعارف فست‌فود می‌کند! راستش حاصل حدود ۳۰ سال کارنامه پرسرودای «کونتینن تارانتینو» چیزی بیش از این عکس نیست؛ همه‌چیز میهایست، سیب‌زمینی‌های تُرد سرخ‌کرده، چیزبرگر و نوشابه و کچاپ و انواع طعم‌دهنده‌ها؛ جذاب و در یک کلام «باحال»؛ اما تهی از هرآنچه فکر کنی، و مهم‌تر سلطان‌زا و کوشنده... حالا این کولاز کجاست؟

زیر درختان زیتون

فیروزان خطاب به وزیر راه وشهرسازی:

مشکلات را مرتفع کنید

● **گروه هنر:** مدتی است که فعالیت‌های «خانه وارطان» تعطیل شده است. به همین دلیل نشست خبری مهدی فیروزان و علی‌رضا بهزادی، مدیران شهر کتاب و رویداد مهندسی صبا، شبیه اول دی در کافی‌شاپ خانه وارطان- تنها مکان فعال این خانه - برگزار شد. هدف از برپایی این نشست مطرح‌شدن دلایل لاینحل‌ماندن مسائل این دو شرکت با وزارت راه و شهرسازی بر سر خانه وارطان بود. فیروزان در ابتدای این نشست گفت: «جالب است بدانید دوستان من در دولت مرا از انتقاد به وزیر راه و شهرسازی بر حذر داشته‌اند. از ایشان خواهمش می‌کنم مسئله ما را زودتر حل کنند. من گمان می‌کنم مشکل، رویکرد فرهنگی ماست. شهر کتاب متعلق به ملت است؛ اما ممکن است وزارتخانه متعلق به طیفی خاص باشد. مشکل ما این است که مستقل هستیم و وزارتخانه می‌خواهد استقلال ما را از بین ببرد. در کشور که قرار است مدیرانش مدبر باشند و عقلانیت و خلاقیت داشته باشند، این طرز رفتار، نامی‌جز اتلاف منابع ندارد. تیم وزارتی به جای ده‌گشایی، گره بر گره افزوده‌اند. امروز ما دنبال دادخواهی هستیم». بهزادی هم گفت: «سال ۱۳۹۴ دکتر آخوندی و دکتر ایزدی تصمیم گرفتند فضایی را برای گفت‌وگو و اتفاقات معماری، شهرسازی، جامعه‌شناسی و فرهنگی تأسیس کنند. صاحبان خانه وارطان که می‌توانستند اینجا را تخریب کنند، با فرهنگ‌دوستی تمام، اینجا را به شرکت عمران بهسازی فروختند که اسم آن اکنون به بازآفرینی تغییر یافته است. کلید اینجا را دکتر ایزدی در اختیار ما گذاشتند و من از آقای فیروزان به‌عنوان کسی که تجربه کار در شهر کتاب و مدیریت فرهنگی دارند، درخواست کردم کنار ما باشند». در ادامه فیروزان گفت: «برای بخش خصوصی، مثل ما، شخصیت وزارتخانه، یک شخصیت حقوقی است. فرقی نمی‌کند چه کسی وزیر باشد. وزیر، معاونان و مدیران کل حق



ندارند امضا‌های مسئولان پیشین را نقض کنند و قرار‌های آنها را نادیده بگیرند. ما نامه‌هایی داریم که وزارت راه و شهرسازی و شرکت عمران و بهسازی شهری تهران نوشته‌اند. طبق این نامه‌ها، شرکت مدیریت خصوصی به شهرکتاب نمایندگی داده که ما اینجا را به خانه وارطان تبدیل کنیم. این نامه‌ها به فروشگاه‌های زنجیره‌ای شهر کتاب، به وزارت بازرگانی، به وزارت نیرو، به وزارت ارشاد و به ثبت شرکت‌ها داده شده و حتی سند اینجا به ما داده شد تا بتوانیم هر جا که می‌رویم با ارائه‌کردن آن رضایت مالک را از فعالیت‌های خود نشان دهیم. معاون وقت عوض شدند و معاون بعدی، آقای مهندس عشایری، آمدند.من خدمت ایشان رسیدم و خواهش کردم تکلیف ما را روشن کنند. پرسیدم آیا ما می‌توانیم به فعالیت‌هایمان ادامه بدهیم که ایشان در حضور همکاران من گفتند بله شما فعالیت‌های خودتان را در اینجا ادامه بدهید». او ادامه داد: «تمام کارهای ما در این‌ساختمان، با هماهنگی مدیران و معاونان وقت انجام شده و اینجا با حضور وزیر وقت، آقای آخوندی افتتاح شده است. در روز حضور آقای آخوندی، ایشان با ابراز رضایت از روند کار ما، خواستند تا این طرح را در شهرهای دیگر هم گسترش دهیم». فیروزان در پایان سخنانش گفت: «شهرکتاب در هیچ حادثه‌ای ابراز نظر نمی‌کند؛ چون ما اقتصاد فرهنگ هستیم و باید چتری باشیم که همه مردم و جریان‌های فکری و فرهنگی را پوشش بدهیم. ما چند ماه است که با آقای‌ها در مدیران سرگردانیم و می‌گوییم حالا که ما را می‌زاید نه‌پذیرفته‌اید، هزینه‌های ما را برگردانید. از روز اول گفتند که می‌دهیم. در طول بیش از یک سال، بارها تقاضا کرده‌ام پولی را که ما به عنوان یک مؤسسه غیرانتفاعی هزینه کرده‌ایم به ما برگردانند. این استنباط من این نیست که آقایان پول ندارند. از نظر حقوقی هم کسی نمی‌تواند اینجا را از ما بگیرد؛ چون به محض استقرار شما در یکجا، دیگری باید نادرست‌بودن حضور شما را اثبات کند. من می‌خواهم احقاق حق شهرکتاب به گوش وزیر راه‌وشهرسازی و مقامات بالاتر برسد. ما بیش از یک سال است که در راهروهای وزارتی سرگردانیم. برای اینکه ما اینجا را به برنده مزایده تحویل بدهیم، باید وزارتخانه هزینه‌هایی را که ما انجام داده‌ایم و ایشان تایید و امضا کرده‌اند، به ما برگردانند و تغلل آنها در بازپرداخت باعث شده برنده مناصق، خاتم منیزه حکمت هم از ما کلاه‌به کنند. ما اگر اینجا را تخلیه کنیم، قطعا نخواهیم توانست مبلغ هزینه‌هایی که برای مرمت و احیای اینجا کرده‌ایم، پس بگیریم. وزارت هم جلوی کار ما را گرفته و هم باعث شده برنده مناقصه نتواند کارش را شروع کند. جا دارد من از دکتر ایزدی تشکر کنم که پای قول‌هاشان ایستادند و هر جا لازم بوده با بیان حقایق از ما دفاع کردند».